

### با سلاح اینترنت در جنگ سرد

دور تازه تحریم های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران، باموردی همراه بود که واکنش های گسترده ای را از سوی ایرانیان مقیم آمریکا و سایر کشورهای جهان در پی داشت. آنها و بسیاری از ناظران بین المللی، قطع پشتیبانی از آدرس های ایرانی در شبکه اینترنت را، که موردی بسیار استثنایی بود، مغایر قوانین بین المللی و انسان دوستانه می دانستند. بر اساس این قوانین؛ تحریم های اقتصادی شامل مواردی نظیر کمکهای انسان دوستانه، روابط علمی و غیره نمی شوند. با این حال، دولت ایالات متحده با اغماض نسبت به این مقررات، تلاش کرد تا ارتباط ایران با شبکه جهانی اینترنت را محدود کند اما؛ به دلیل واکنش ها و اعتراضات گسترده ای که نسبت به این قانون، شکل گرفت، قطع پشتیبانی از آدرس های اینترنتی ایرانی ها، بیش از 72 ساعت دوام نیافت. پیش از این نیز در خلال ماههای می و ژوئن، دولت ایالات متحده، در اقدامی مشابه، سعی در قطع خدمات دسترسی به شبکه برای ISP های ایرانی کرده بود. اما به دلایل مختلفی در اعمال این محدودیت نیز با شکست مواجه شد.

وقوع چنین مسائلی که در داخل کشور بازتاب چندانی نداشت و حتی بسیاری از دولتمردان ایرانی هم متوجه پیامدها و عواقب آن نشدند، با چند سوال مهم و چند پیام مهمتر همراه بود. آنچه مسلم است، ایران در سالهای 79 و 80 خورشیدی، با رشد انفجاری اینترنت مواجه شد و توسعه سریع استفاده از آن در میان جوانان و نوجوانان، مراکز علمی و پژوهشی و بخش های اقتصادی، بازار بسیار پررونقی را برای ارائه دهندگان سرویس دسترسی به شبکه در کشورهای نظیر آمریکا و کانادا ایجاد کرد. حال این سوال مطرح است که کشوری مانند آمریکا که در آن پول حرف اول و آخر را می زند، به چه دلیل حاضر به از دست دادن چنین بازار پررونقی شده است؟

از زمانی که سایت آمریکایی **GoDady**، برای اولین بار و به طور رسمی با استناد به قانون جدید تحریم، به مشتریان ایرانی خود اولتیماتوم داد، تا سه روز بعد که این موضوع منتفی شد، بسیاری از شرکتهای اینترنتی خصوصی و برخی از سازمانها و نهادهای دولتی ایران که آدرس خود را در آمریکا ثبت کرده بودند، بحران عمیقی را تجربه کردند. اما نکته جالب توجه این بود که حتی یک اعتراض رسمی از سوی دولت و یا شخصیتهای مطرح کشور انجام نگرفت.

تا پیش از این اتفاق؛ غشایدف قطع ارتباط با شبکه اینترنت برای شهروندان و دولتمردان کشور تا این حد بحران آفرین و مهم به نظر نمی رسید، اما؛ آنهایی که در ایالات متحده به اخذ چنین تصمیمی پرداخته بودند، به خوبی می دانستند که اعمال تحریم در این زمینه، تا چه اندازه می تواند برای ایران بحران آفرین باشد و چه هزینه سنگینی را بر این کشور تحمیل خواهد کرد. از این رو پاسخ سوال مطرح شده، تا حدودی مشخص است؛ ایالات متحده، بازار پررونق و سودآور اینترنت در ایران را از دست می داد تا به منافع دیگری از قبیل قطع ارتباط علمی و تجاری ایران با جهان و عدم دسترسی این کشور به منابع عظیم اطلاعاتی؛ دست یابد.

البته؛ این مسأله یک دلیل دیگر هم داشت. آزادسازی **Domain** های ایرانی موجب می شد تا بسیاری از **E-Mail** ها و پیام های الکترونیکی ایرانیان به دست آنها بیفتد و این می توانست فرصت مناسبی برای یافتن سرخ هایی از حادثه یازدهم سپتامبر باشد. در واقع ایالات متحده برای اثبات این ادعای خود، که ایران از تروریست جهانی حمایت می کند، احتیاج به مدارکی داشت که امیدوار بود، بتواند آنها را در پیامهای الکترونیکی ایرانیان به دست بیاورد. بدیهی است که این دو هدف مهم برای آمریکایی ها به خصوص شخصیت ها و گروههای تندرو سیاسی این کشور، ارزش از دست دادن بازار ایران را داشتند.

پیام بسیار مهمی که در بطن این قضایا وجود داشت، این است که اگر تا پیش از این، اینترنت برای ما، فقط یک ابزار ارتباطی بود (البته در حد حضور مستمر در **chat room** ها و...) از این پس می تواند به عنوان یک اهرم فشار سیاسی و ابزار تهاجمی علیه کشورمان ایفای نقش کند و بدیهی است، عقب ماندن و توجه نکردن به این موضوع، هزینه های سنگین و جبران ناپذیری را بر ما تحمیل خواهد کرد.

با تلخیص از: ماهنامه وب